سلیم آزاد ۲۰۱۶/۰۱/۱۰

ملی گرایی قلابی و طالبی حامد کرزی

مصاحبهٔ حامد کرزی در بی‌بی‌سی انعکاس زیادی در رسانه های اجتماعی نداشت، گویا حرف های تکراری و عجیب و غریبش دیگر چنگی به دل مردم نمی زند. همه او را می‌شناسند و از کارنامه‌اش خبر دارند. به راستی چطور می‌توان سیاستمداری را که با خونسردی مطلق مسؤولیت هر نوع اشتباه و تقصیری را از خود سلب کرده و به گردن دیگران می اندازد، جدی گرفت؟
معمولاً قضاوت مردم این است که حامد کرزی، رئیس‌جمهور پیشین، در یکی از بهترین دوره های تأریخی افغانستان به قدرت رسید ولی تمام فرصت ها برای بازسازی افغانستان بعد از جنگ را از دست داد. برای همین، مصاحبه حامد کرزی با بی‌بی‌سی چیزی فراتر از دفاع یک رئیس جمهور ناکام از کارنامه‌اش نبود؛ دفاعی مرکب از فرافگنی، عوام فریبی و دروغگویی. او جنگ افغانستان را توطئه امریکا دانست، افغانستان را کشور تحت استثمار و استعمار خارجی خواند، و منکر هر نوع تقلب در انتخابات ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴ میلادی شد و آن را تبلیغات امریکائیان برای تضعیف حکومت خود و موجود افغانستان دانست.

فرصت های برباد رفته

من با این تحلیل طرفداران حکومت آقای غنی موافقم که دولت حامد کرزی میراث ناکامی را از خود به جای گذاشت. اما، حامد کرزی رئیس‌جمهوری همان حکومتی بود که افراد شاخص حکومت وحدت ملی- اشرف‌غنی، عبدالله، اتمر- از وزیران برجسته‌اش بودند. حکومت افغانستان متشکل از سیاستمداران و مامورانی است که معمولاً با حامد کرزی در دو چیز وجه مشترک دارند: سرپوش گذاشتن بر اشتباهات خود و انداختن تقصیر به گردن دیگران، به‌خصوص خارجی‌ها.
حامد کرزی، تکنوکرات های ارشد، و رهبران قومی و جهادی اختیار حکومت را در کنفرانس بن و بعد از آن به عهده گرفتند. اما برای بازسازی افغانستان هیچ نوع برنامه‌ای روی دست نداشتند، ظرفیت های انسانی و ساختاری دولت را تقویت نکردند، و با زور و پول غربی ها یک دولت شکننده و ورشکسته را تا امروز سر پا نگهداشتند. طبقهٔ سیاسی افغان نه تنها چشم‌انداز و مهارت های ساختن یک کشور پس از جنگ را ندارند، بلکه برای تقویت مالی و اقتصادی خود وارد منازعات درونی و فساد مالی و اداری گسترده نیز شدند.
حامد کرزی سلسله دار چنین حکومتی با چنین طبقه سیاسی بود، و او در پرنسیب مانند رئیس‌جمهور هر کشور دیگری، مسؤولیت اصلی شکست ها و ناکامی های حکومت خود را به عهده دارد. او، به‌عنوان مثال، وقتی صحبت از فساد اداری در حکومتش می شود، عامل آن را امریکایی ها می داند. اما در زمان آقای کرزی اعضای خانواده و بسیاری از مقامات ارشدش به ثروت های هنگفتی دست یافتند. آیا حامد کرزی به‌عنوان رئیس‌جمهور نمی‌توانست که وزیران و روسای فاسد را که خود مقررشان کرده بود، از کار برکنار و مجازات شان کند؟ آیا تقصیر فساد و بی‌کفایتی وزیران فاسد و نزدیکان رئیس‌جمهور هم به دوش امریکایی‌ها است؟
واقعیت این است که حامد کرزی از فساد مقامات خود آگاه بود ولی در میدان سیاست افغانستان برای تحکیم حکومتش به این متحدان و همکارانی هرچند فاسد و قانون شکن نیاز داشت. برای حفظ جایگاه و پرهیز از رو در رویی های داخلی چشم خود را بر فساد مامورین حکومتی و متحدین سیاسی- قومی‌اش بست. به هر حال چار روز حکومت بی درد سر از آرزو های حامد کرزی بود.

ملی‌گرایی قلابی

فراتر از توجیهات خود ساخته، نکتهٔ آزارد هنده در مصاحبه حامد کرزی مشابهت های سیاسی‌اش با طالبان بود. درست خواندید، من مشابهت های فراوانی میان مواضع حامد کرزی و طالبان دیدم. قبل از همه طالبان برای رئیس جمهور سابق یک گروه تروریستی نیست بلکه مردم عادی ای اند که امریکایی ها و پاکستانی ها به صورت یکسانی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

در رادیکال کردن شان نقش داشته اند. به گفتهٔ رئیس‌جمهور، مردم به خاطر آزار و اذیت نیرو های امریکائی به طالبان پیوستند. آقای کرزی در کنار آن افزود که افغانستان تحت استعمار خارجی قرار داشته، تمام افغان‌ها، چه طالبان و چه دیگران، به این استعمار پایان دهند. به این ترتیب، سناریوی سیاسی آقای کرزی متحد شدن طالبان و حکومت افغانستان علیه «خارجی‌ها» (پاکستانی‌ها و امریکایی‌ها) است. اما اگر این استدلال آقای کرزی را بپذیریم، طالبان در موضع درست تر و وطن پرستانه تری قرار دارند. چون، امارت این گروه توسط طیاره های امریکائی سقوط کرد و زمانی که بادیگارد های امریکائی امنیت آقای کرزی را به دوش داشتند، جنگجویان طالب به دست نیروهای امریکایی کشته می شدند.
آقای کرزی و طالبان بالای دو نکته سیاسی با هم توافق دارند: غربی ها از افغانستان بیرون شوند، و حکومت موجود تحت استعمار خارجی ها است. اما در دو جای میان طالبان و حامد کرزی تفاوت وجود دارد: طالبان خواهان جنگ مسلحانه علیه امریکائی ها هستند، ولی حامد کرزی جرأت بیان مقاومت علیه غربی ها را ندارد. دوم، طالبان حکومت موجود را نامشروع و دست نشانده خارجی ها می دانند اما آقای کرزی با این که با طالبان در استعماری بودن حکومت توافق دارد ولی حاضر نیست که به صراحت عدم مشروعیت حکومت موجود را اعلام کند. چون، به هر حال حکومت فعلی تداوم حکومت پس از بن است، و تمدید حضور امریکائی‌ها هم بر مبنای همان توافق‌نامه‌ای صورت گرفت که آقای کرزی چندین ماه با امریکائی‌ها بر سر امتیازات و محتوای آن، از جمله دادن پایگاه نظامی، چانه‌زنی می کرد.
جالب این‌جاست با این‌که حامد کرزی طالبان را یک گروه تروریستی نمی داند و همانند این گروه حکومت موجود را استعماری می‌خواند اما طالبان همواره به حامد کرزی به‌عنوان رئیس‌جمهور وابسته نگریسته و هرگز در تقبیح و تحقیر رئیس‌جمهور و حکومت افغانستان از هیچ نوع ادبیات سخیفی پرهیز نکردند. به هر حال، آن ها دشمن دیرین خود را فراموش کرده نمی‌توانند. برای آن ها حامد کرزی کسی است که با نیروهای خاص امریکائی در ارزگان علیه امارت شان رزمید، در کنفرانس بن با حمایت شدید غربی ها، به خصوص امریکایی‌ها، به‌عنوان رئیس اداره انتقالی تعیین گردید، و بیشتر از یک دهه با پول و حمایت نظامی امریکائی ها حکومت خود را حفظ کرد و علیه طالبان-خواسته یا نخواسته- جنگید.
برای من به عنوان فرد عادی افغان حرف های موجود حامد کرزی علیه غربی‌ها بیشتر ناشی از تفاوت منافع سیاسی و تحلیل غلط او از سیاست بین‌المللی و زد و بند های منطقوی است. آقای کرزی به خوبی آگاه است که در افغانستان افکار عامه نگاه بسیار انتقادی به نقش جامعه جهانی در کشور ما دارد. از سوی دیگر، اقشار زیادی باور دارند که طالبان، القاعده و داعش ابزار بازی امریکا برای حضور در منطقه و محاصره روسیه و چین است. از این رو، کرزی می کوشد که با انداختن مشکلات جنگ جاری به دوش امریکائی ها نقش حکومتداری ضعیف و فساد سازمان یافتهٔ دولت خود در تقویت طالبان و تشدید جنگ و ناامنی را از نظر ها محو کند.
در نهایت این نکته را نباید از یاد برد که حامد کرزی در زمانی با حمایت امریکائی‌ها در افغانستان حکومت را به دست گرفت که نو محافظه کاران امریکائی که نقشه سیاسی تغییر خاورمیانه را از طریق مداخله نظامی و براندازی رژیم های نامطلوب در سر داشتند، در ایالات متحده در انتخابات پیروز شدند. در آن نقشه بزرگ حامد کرزی یکی از مهره های سیاسی مطلوب جمهوری خواهان بود که مشابه او در عراق پس از حمله امریکا کسانی مانند احمد چلبی بودند. ما نمی‌دانیم که امریکائی‌ها برای ایران و سوریه کدام چهره ها و بازیگران سیاسی را در نظر داشتند. به هر حال شکست سهمناک آن ها در باتلاق عراق مانع از ادامه نقشه مذکور در مورد ایران شد. به همین دلیل، امریکائی‌ستیزی حامد کرزی همان قدر خنده‌دار است که روس‌ستیزی ببرک کارمل و داکتر نجیب.

پایان

با تشکر از سایت ملی ۸صبح

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ